





چهل منزل تا اربعین

با اربعین حسینی تا جهان حسینی
با اربعین تمدنی تا تمدن نوین اسلامی

سیدمفید حسینی کوهساری

• هفته‌نامه افق حوزه

• عنوان کتاب: چهل منزل تا اربعین
با اربعین حسینی تا جهان حسینی، با اربعین تمدنی تا تمدن اسلامی

• مؤلف: سیدمفید حسینی کوهساری

• شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

• امور هنری: سیدامیر سجادی

• نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱

• تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۸ | نمابر: ۰۲۵-۳۲۹۰۱۵۲۳

• پایگاه اینترنتی: www.ofoghawzah.ir | پست الکترونیک: info@ofoghawzah.ir



مقدمه

در زیارت **اربعین**، جسم و فکر و دل و جان مان مهمان سفره حسین علیه السلام است و سال به سال بر میهمانان این خوان افزوده می‌شود و به حتم، روزی خواهد رسید که این مائده، همه‌گیر خواهد شد و جهانی، گرد آن خواهند نشست. جهان، آماده حسینی شدن است و **اربعین**، روشن‌ترین گواه آن. از خدا بخواهیم ما هم در این طریق نقشی داشته باشیم. خدا کند این نوشتار گامی در این راه باشد.

آمین یا رب العالمین





اربعین به درازای تاریخ

اربعین را چه روزی بدانیم، چهلمین روز عاشورا؟

بازه زمانی پیاده روی اربعین؟

سالگرد زیارت جابرین عبدالله انصاری و یا زیارت اسرای اهل بیت علیهم السلام از کربلا؟

این‌ها همه، مناسبت اربعین اند. اما اربعین را امتدادی به امتداد همه تاریخ است؛

اربعین، نقطه تلاقی گذشته و حال و آینده تاریخ است؛

اربعین، تدبیر دست حکمت و تقدیر الهی است؛

تا آدم را به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک برساند؛

حسین علیه السلام، وارث آدم است و اربعین، امتداد حسین علیه السلام تا منجی پایانی؛

و حسین علیه السلام آمده تا رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله که همان رسالت همه انبیاست ناتمام نماند اربعین، آمده

است تا حسین در کربلا نماند و حسین علیه السلام، فرزند علی بن ابیطالب علیه السلام و وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام گردد؛

اربعین آمده تا آدم تا خاتم و خاتم تا قائم به هم متصل گردند؛

اربعین، حلقه وصل آغاز انسانیت است به پایان دل‌پذیران.



اربعین برترین برترین ها

- اربعین، طولانی‌ترین راهپیمایی انسانی؛
- اربعین، بزرگ‌ترین مائده آسمانی؛
- اربعین، باشکوه‌ترین صحنه ایثار و اخلاق هستی؛
- اربعین، عظیم‌ترین اجتماع معنویت خواه بشریت؛
- اربعین، متراکم‌ترین حرکت خودجوش و داوطلبانه زیبای اسلامی؛
- اربعین، بالاترین حجم اطعام رایگان کریمانه؛
- اربعین، مایه افتخار و آبروی دنیای اسلام؛
- اربعین، موجب دلگرمی و امید؛
- اربعین، با جلوه‌های فاخر تمدنی؛
- اربعین، بی نظیر و بی‌رقیب؛
- اربعین، معجزه حسین علیه السلام؛
- اربعین، مولود اسلام ناب؛
- اربعین، برترین، بهترین، وسیع‌ترین و عمیق‌ترین؛
- اربعین، برترین برترین ها.





اربعین تمدنی

پیش به سوی **اربعین** تمدن ساز با معیارها و صحنه های تمدنی؛
فراملی، فرامذهبی، فراادیانی، انسانی، فطری؛
فرانزادی، فرازبانی، فرافرهنگی؛
مادی و معنوی، آرمان‌گرا، واقع بین؛
عقلانی و عاطفی، معنوی و عدالت مدار؛
بهره مند از عقل، از نفس، از حس، از تجربه، از دل؛
متنوع، خلاق، زیبا، باشکوه؛
عمیق، وسیع؛
سنتی، اصیل، روزآمد، پیشرو، بالنده و آینده نگر،
اربعین، جامع اضداد، جامع عبودیت و ربوبیت، عزت و افتادگی، پادشاهی و گدایی؛
جامع دنیا و آخرت، عقل و دل، انتظار و نصرت؛
جامع تولی و تبری، شور و شعور، عشق و حماسه؛



اربعین یعنی خدا هست

اربعین، اعلام شجاعانه و بی پرده افول مدرنیسم و کاپیتالیسم و سکولاریسم؛
اربعین، فریاد شکست باور نکردنی لیبرال دموکراسی غرب؛
اربعین، اضمحلال روزافزون تمدن های غربی و شرقی؛
اربعین، یعنی رشد و نمو تمدن نوین اسلامی؛
اربعین، استمرار حیات انسانیت؛
اربعین، تداوم اخلاق و معنویت؛
اربعین، یعنی دین افیون توده ها نیست؛
اربعین، یعنی فطرت ها بیدارند؛
اربعین، یعنی دین تحول زا و انقلاب آفرین است؛
اربعین، یعنی قدرت دین و اقتدار اسلامی؛
اربعین، یعنی نماد حیات و قیومیت خدایی؛
اربعین، یعنی اینکه دیگران نمی توانند و فقط خداست که می تواند؛





اربعین از جنس تغییر

اربعین، از جنس شدن است، رفتن، صیوروت و حرکت؛

با اربعین باید رسید، باید بزرگ شد، باید انقلاب کرد؛

از جمع محبان حسین عَلَيْهِ السَّلَام باید به جمع عاشقان مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رسید؛

فراتر از زیارتی حسینی باید به دنیای حسینی اندیشید؛

از امروز به فردا؛

از مرزها و محدودیت‌ها به اسلام جهانی و جهانی اسلامی؛

از عصر انزوای دین به حاکمیت توحید در پهنه عالم؛

از تأمین نیازهای مادی و معنوی و معرفتی میلیون‌ها زائر، به سعادت دنیوی و اخروی میلیون‌ها انسان؛

از جبهه متحد مقاومت منطقه‌ای به شبکه جهانی مقاومت حق‌مداران؛

از حق‌النفس به حق‌الناس، حق‌هستی و حق‌الله؛

از گردهم‌آیی، شیعی به اجتماع عظیم اسلامی و تجمع بزرگ بشری؛

از دانه... به خوشه... به خرمن... به بیکران نعمت الهی؛

از اربعین حسینی به تمدن نوین اسلامی.



اربعین، آرمان شهر کوچک

اربعین، حجت بالغه الهی است که آرمان شهر تنها یک خیال خام نیست؛
 اربعین، نشانی است که جامعه موعود، خیلی هم دور از دسترس نیست؛
 اربعین، نمونه‌ای کوچک اما موفق است از گم‌گشته دیرین بشری؛
 چقدر انسان‌ها به هم نزدیک می‌شوند؛
 برادری و انسانی چه اوجی می‌گیرد؛
 و الگویی مثال‌زدنی از آن‌که مهدویت صرفاً یک شعار نیست؛
 اربعین، انسان را تا عصر ظهور به پیش می‌آورد؛
 آنانی که به دنبال جلوه‌ای از حکومت مهدوی اند اربعینی شوند؛
 در اربعین چقدر دل، هوای مهدویت می‌کند؛
 گوشه گوشه و قدم به قدم اربعین جلوه‌گاه رخ یار است؛
 یعنی که رخ یار به هر جای توان دید؛
 دیوانه منم من که روم خانه به خانه.





اربعین، برای فردا

اربعین، میعادگاه آینده سازان؛

اربعین، مجال آینده نگری و آینده پژوهی؛

اربعین فرصت امید به آینده، تفکر برای آینده، ترسیم آینده و ساختن آینده؛

اربعین، وقت اندیشیدن به راهبردهای حرکت به آینده مطلوب؛

اربعین، زمان تأمل بر چالش‌ها و فرصت‌ها و ظرفیت‌های کلان حال و آینده؛

اربعین، دوره تاریخی گفتمان سازی و جریان سازی؛

اربعین، مجال فرهنگ سازی و تمدن سازی؛

اربعین قطعه‌ای متکی بر تاریخ، بهره‌مند از امروز و شتابنده به سوی آینده‌ای درخشان؛

اربعین، امیدبخش و نشاط‌آفرین؛

اربعین احیاگر حیرت‌انگیز اسلام؛

اربعین فردا درآینه امروز.



اربعین و خلأ رسانه‌ای

اربعین دردناک‌ترین سانسور رسانه‌ای و بایکوت خبری دنیای معاصر است؛ راه حل، آن است که هرکسی که می‌تواند، کاری بکند؛ همه باید رسانه باشیم؛ حقیقتاً **اربعین**، مانند صاحبش مظلوم است؛ ولی به فضل خدا **اربعین** را از مظلومیت خارج می‌کنیم؛ وجدان‌های بیدار و فطرت‌های پاک فراوانند که شنوای **اربعین** باشند؛ لحظه لحظه این راهپیمایی بزرگ سوژه است و خبر و تحلیل؛ جفای بزرگی است اگر **اربعین** را با همت خود عالم‌گیر نکنیم؛ خطای بزرگی است اگر به داشته‌ها بسنده کنیم؛ **اربعین**، لسان گویا و برنده ماست علیه همه اسلام‌هراسی‌ها و شیعه‌هراسی‌ها؛ **اربعین**، زمانی تمدنی می‌شود که با هنر و ذوق و رسانه درآمیزد؛ بدون رسانه هر حرکت تمدنی ابتر خواهد بود؛ و این تقدیر خداست که **اربعین** ابتر نمی‌ماند **اربعین**، کوثر حسینی است؛ همه بکوشیم تا **اربعین** را عالم‌گیر کنیم.



همیشه عاشورا، همه جا کربلا

زیارت، تقرب به آستان ولی خداست و درک محضر نورانی او؛
 و زیارت **اربعین**، حرکت برای ملاقات خون خدا و زیارت عرش الهی است در زمینی خاکی؛
 زندگی بدون امام، طی ظلمات است بی همرهی خضر؛
 امام فقط در کربلا نیست؛
 امام، شاهد و شهید و ناظر بر همه عالم است و همه عالم محضر امام؛
 برای زیارت، هر کجا که باشی و دل به جانب حسین علیه السلام روانه کنی همان جا کربلا است؛
 همه عالم، محضر و مزار حسین علیه السلام است؛
اربعین از ده‌ها کیلومتر آن طرف‌تر از کربلا آغاز می‌شود؛
 و در همه مسیر تو در محضر حسینی، همه جای مسیر، تو در کربلایی؛
اربعین، تمرین درک محضر امام در خارج کربلا؛
 این جا کربلا به وسعت همه عالم است؛
 و زیارت، هر کجای عالم که بگویی یا حسین علیه السلام.





با اربعین آغاز می‌شود

اربعین، آغاز است و پایان، اول است و آخر؛
پایانی است بر دوران اسارت و شروعی است برای مأموریت تاریخی زینب؛
اکنون، نوبت یاران حسین علیه السلام است؛
نوبت تزریق خون حسین علیه السلام است در جامعه، در تاریخ، در همه هستی؛
آغازی است بر زنده نگه داشتن نام و یاد حسین علیه السلام؛
شروعی است برای مبارزه‌ای بی‌امان علیه استبداد و استثمار یزیدیان؛
اربعین، چشمه جوشان ترویج فرهنگ حسینی؛
همه، مبلغ حسین علیه السلام باشند با زبان، با عمل، با دستگیری، با یک لبخند؛
همه باید بفهمند که با حسین علیه السلام دنیایشان متفاوت می‌شود؛
حقیقتاً حسینی شویم تا دیگران تفاوت را درک کنند؛
کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم؛
این‌جا، به عمل کار برآید؛
لذت **اربعین** را باید چشید و چشاند؛
عالمی را می‌توان با **اربعین**، حسینی کرد؛
هر که دارد هوس کربلا بسم الله.

اربعین با سلام و صلوات

زیارت **اربعین** با سلام بر حسین علیه السلام آغاز می‌شود و با صلوات بر محمد و آل محمد خاتمه می‌یابد؛ **اربعین**، فرصت سلام و سلامتی است و امنیت و آرامش و درود و صلوات؛ این جا از خشونت و زشتی خبری نیست، همه در کنار هم با صلح و صفا و در جمعی که شمع جمعش حسین علیه السلام است؛ **اربعین**، با حسین علیه السلام آغاز می‌شود و حسین علیه السلام، دستان همه را در دستان محمد و آل می‌نهد؛

حسین علیه السلام را هدایتی به مقام صلوات، مقام رحمت و مغفرت؛

کجایند آنانی که از اسلام و حسین علیه السلام می‌هراسند؛

اسلام‌هراسان و شیعه‌هراسان بدانند از یک جهان پاکی و صفا، دور مانده‌اند؛

شرط ورود به این وادی سلام است و سلامتی؛

سلامتی از جهل، از کینه، از فریب، از تبه‌کاری، از ظلم، از تحقیر، از تحمیر؛

و ثمره آن معنویت است و رحمت و صلوات است؛

اگر با همه خوبی‌ها و خوبان سنخیتی نیافته‌ایم و همان هستیم که بودیم، بدانیم در وادی **اربعین** پای ننهادیم.



حسین عَلَيْهِ السَّلَام و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ، رابطه ای همیشگی

ألا يا أهل العالم أنا الامام الغائب؛

ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم؛

ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين قتلوه عطشاناً؛

ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين طرحوه عريانا؛

ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين سحقوه عدواناً؛

همه خواهند دید و خواهند شنید که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با شعار حسین عَلَيْهِ السَّلَام خواهد آمد و روضه جد غریبش را خواهد خواند؛

هواخواهان موعود هم، دل در گرو خون خواهی حسین عَلَيْهِ السَّلَام دارند؛

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، همیشه به یاد حسین عَلَيْهِ السَّلَام است و چشمانش خون بارغم عاشورا و کوفه و شام؛

حسین عَلَيْهِ السَّلَام، ناصر مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ناصر حسین عَلَيْهِ السَّلَام؛

چه رابطه شگفتی است میان حسین عَلَيْهِ السَّلَام و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، میان **اربعین** و جهانی پراز عدل؛

اربعین، نصرت تاریخی حسین عَلَيْهِ السَّلَام است برای ظهور مهدی موعود؛

یاران حسین عَلَيْهِ السَّلَام، همه گرد مهدی فاطمه خواهند آمد؛

همه حسینیان در طول تاریخ گرد هم خواهند آمد؛

همه جای **اربعین**، آمیخته با یاد مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است و همه جای ظهور آمیخته به یاد حسین عَلَيْهِ السَّلَام.

اربیعین، دانشگاهی بین‌المللی

زیارت **اربیعین**، منشور راهپیمایان حسینی است و زائران **اربیعینی**؛
و کلمه به کلمه و حرف به حرف آن با دقت و حکمت الهی تنظیم شده؛

موجز است و پرمغز؛

جامع است و صریح؛

عمیق است و رفیع، هم مرام حسینیان را می‌نماید و هم یزدیان را؛

اربیعین، مدرسه است و دانشگاه؛

زیارت **اربیعین** را نباید خواند، بلکه باید آموخت، باید شکافت، باید درنوردید، باید رسید؛

اربیعین را باید تدریس کرد، باید تحقیق کرد، باید تفهیم کرد، باید ترویج کرد، باید گستراند، باید

جهانی کرد؛

اربیعین را باید چشید، باید با همه وجود درک کرد، باید عمل کرد، باید نشان داد، باید تجسم بخشید؛

اربیعینی شدن را **اربیعین** شناسی لازم است؛

اربیعین، دانشگاهی بین‌المللی است که درس به درس آن را فقط می‌توان با عشق آموخت.



اربعین، عقلانیتی عاشقانه

اربعین، از سویی، همه عقلانیت است و حکمت؛

و از سویی فراتر از محاسبات عقل بشری است و بالاتر از عقلانیت ابزاری مادی اندیش معاصر؛

مناسبات اربعین را تنها با عشق می توان فهمید، این جا همه چیز با عشق پدید می آید؛

هر کس خود را با عیار عشق بسنجد، هر قدر عاشق تر، اربعینی تر؛

کدام محاسبه، ظرفیت فهم این همه از خودگذشتگی و ایثار و اخلاق و مرامت، و سختی را دارد؛

هر جا سخن از ثبات و بقا است رد پای عشق را می توان یافت؛

باور کنیم در کوچه و بازار و مسجد و دانشگاه و کارخانه و شرکت و مغازه هم می توان انسان بود و عاشق ماند؛

رمز توسعه اربعین، عشق است؛

سیر تکثیر اربعین، حسین علیه السلام است که در هیچ مکانی و حالی محدود نشود؛

سیر جهانی اربعین، عشق بین المللی حسین علیه السلام است؛

همه جا اربعین، همیشه اربعین؛

فقط عشق حسین علیه السلام، فقط عقلانیت حسینی.

اربعین، آری، جهالت، هرگز

و بذل محجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیرة الضلالة؛
 حسین علیه السلام، خون قلبش را بخشید تا جهالت نباشد و ضلالت؛
 تا نادانی و سرگردانی نباشد؛

اربعین را پیوندی است ناگسستنی با عقلانیت و معرفت و هدایت؛
 در این وادی جز منطق، حکمت و خردورزی را نتوان یافت و همه راه‌ها به سعادت و صلاح ختم می‌شود؛
 هر کس **اربعینی** است باید به باطن آن نزدیک شود و باطن آن تفکراست و بصیرت و آگاهی؛
 هیچ کس بدون سلاح نیاید و سلاح این میدان کتاب است و علم و بینایی؛
 از همه حرکات و سکنات **اربعین** باید کتاب و کتاب‌خوانی و حکمت‌اندوزی و فراگیری، فهمیدن و اندیشیدن
 موج بزند؛

اربعین هست تا کسی بین حق و باطل معطل نماند، تا بیندیشد؛
 و در تشخیص تکلیف حیران نباشد و اولویت‌ها را به سرعت بفهمد و زود به مقصد برسد؛
 کاش کاروان **اربعین** همه کتاب به دست باشند و ذکر بر لب؛
 با حسین علیه السلام **اربعینی** شویم و با **اربعین** حسینی؛
 بخوانیم و بخوانیم و بزرگ شویم و **اربعینی** شویم.

اربعین «نه» برای دنیاطلبان

اربعین، مرز جدایی دنیاطلبان، هواپرستان و عافیت‌گرایان است با حق طلبان و عاشقان و مجاهدان. هر کس در سر هوای دنیا دارد راهی دیگر برگزیند و مسلکی دیگر بجوید؛ اینجا کسی آخرتش را به دنیا و شرافتش را به زدالت نمی‌فروشد؛ این جا همه چیز و همه کس فدای حسین علیه السلام است.

«بأبی أنت و أمی و أهلی و مالی»؛

اگر کسی دنیایش را پای حسین علیه السلام ریخت اهل شقاق و نفاق نخواهند شد. یک دل، یک‌رو، یک جهت اما با یک دنیا عزم و اراده و توان.

اربعین، تمرین حسینی شدن است و از دنیا بریدن؛ دنیا را آباد کردن و به آن دل نبستن؛ آخرت را در دنیا ابدی کردن و بدان فریفته نشدن؛ اهل خانه و خانواده، کسب و کار و پیشرفت و مسابقه بودن و همه را برای حسین علیه السلام خرج کردن؛ اگر در اربعین، حسینی شدیم محیا و ممات‌مان هم کم‌کم حسینی می‌شود؛ تا جایی که به ما افتخار کنند و بگویند هذا أدب الحسین علیه السلام؛ می‌شویم مایه زینت حسین علیه السلام؛

خدایا اگر زینت حسین علیه السلام نشدیم مایه ننگش نباشیم.



شهادت، رمز کرامت اربعینی

حسین علیه السلام، واصل به کرامت الهی است؛

حسین علیه السلام، بزرگ است و بزرگوار و کریم؛

و رمز کرامت حسین علیه السلام شهادت است؛

حسین علیه السلام، با کرامت است و کرامت آفرین است چون شهید است و شهیدپور؛

حسین علیه السلام، معرفتش، معرفت دوستانش، شهادتش، صبرش همه به کرامت می‌انجامد؛

شهادت، قانون تبدیل ناپذیر ناموس هستی است برای بزرگواری؛

یک جامعه، یک ملت و یک تمدن، عزیز، رفیع و کریم نمی‌شود الا با جان فشانی؛

راه بزرگواری روشن است و به همان اندازه دشوار؛

راه کرامت از سنگلاخ صبر و مقاومت و شهادت می‌گذرد؛

مهم نیست جان می‌دهیم یا نه، مهم آن است که مهبای جان فشانی باشیم؛

وگرنه بر شعبه‌ای از نفاق اسیریم؛

عشق به شهادت شرط لاینفک اربعینی شدن و اربعینی ماندن است؛

شهادتی که از معرفت اربعینی بر می‌خیزد.

اربعین و کانون جبهه حق

اربعین، دوروی سکه دارد، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا؛ شرکت در جبهه حق و غیبت از جبهه باطل؛ گریزی از برائت و بیزاری از اعداء الله نیست؛ در اربعین بدون لاله نمی‌توان به الله رسید؛

و بدون برائت نتوان به ولایت رسید و بدون این نفی به آن اثبات؛

و بدون آن لعن به این سلام و بدون آن مبارزه به این آرامش؛

در اربعین، بدون شناخت دشمن، قدم از قدم نمی‌توان برداشت؛

بیزاری در قلب، برائت در لسان، مبارزه در عمل همه لازمه است، این دو متمم و مکمل هم‌اند؛

هر حرکتی را در عالم تأثیری است و موجی و هر موجی را امتدادی است و استمراری؛

همه موج‌ها و حرکت‌ها و امتدادها فقط و فقط به دو کانون منتهی می‌شوند؛

کانون حق و کانون باطل، شاخص جریان حق حسین علیه السلام است و مقاومت و شهادت؛

اربعین، طراحی الهی است برای گرد آمدن تدریجی اهل حق؛

اربعین، نمایش قدرت جریان حق است و تجسم سقوط جریان باطل؛

اربعین تجلی شبکه‌سازی ولایی و الهی است در برابر انبوه شبکه‌های طاغوتی و شیطانی؛

همیشه عاشورا هست و همه جا کربلا و حسین علیه السلام و یزید همواره مقابل هم و در نبردند؛

یا حسینی هستیم و یزیدی و یا در ثواب و عقابشان شریک.





یاری حسین علیه السلام

مؤمن بکم... و قلبی لقلبکم سلم و امری لأمرکم متبع؛

در **اربعین** از نیت خیر و صرف ایمان کار بر نمی آید؛

کار با ایمان و معرفت و یقین آغاز می شود و به تسلیم قلبی می رسد و به تبعیت عملی منجر می شود و با

ثبات قدم به نصرت حسین علیه السلام و معیت او ختم می شود؛

و چه می دانیم که چه مقامی است نصرت و یاری برگزیده خدا؛

چه لذتی دارد هم دردی با او و همراهی با او و هم نشینی با او؛

هم دردی و هم نشینی با ولی خدا یک طرف و همه بهشت و ما فیها در طرف دیگر؛

اربعین، فرصت کامل شدن است. آنان که فقط اهل فکر و معرفت و نیت اند، به **اربعین** نیایند؛

اگر با فکر، با دل، با جوارح **اربعینی** شدیم ما را هم به بازی می گیرند؛

ما را هم به خیمه حسین علیه السلام راه می دهند؛

ما را به نصرت فرا می خوانند؛

هل من ناصر ینصرنی.

حسین علیه السلام سریع‌ترین کشتی نجات

خدا خیر هر کسی را که بخواهد در دلش هوای حسین علیه السلام می‌اندازد؛ هر کس را به صلاح و فلاح امیدی است با حسینش سری و سری باید؛ اگر می‌دانستند چه در زیارت حسین علیه السلام است، جان می‌دادند و سرو دست؛ **اربعین**، امتیاز انحصاری حسین علیه السلام است و دیگران را **اربعینی** نیست؛ **اربعین**، گردهم‌آیی مقربان خاص است؛

و زیارت حسین علیه السلام کوتاه‌ترین و سریع‌ترین صراطی است که حق بر روی خلایقش گشوده است؛ بشتابیم تا ناکام نمانیم و سر راه نمانیم؛

و چه غریبند آنان که با حسین علیه السلام غریبند و ناکام از حسین علیه السلام؛ و چه دون همت‌اند آنان که جهان را غیر حسینی می‌پسندند؛ با **اربعین** دون همتی، عین پستی است، نا جوانمردی است؛ دیگر نشاید دنیایی را تشنه حسین علیه السلام نگه داشت؛ حسین علیه السلام، تشنه و غریب شد تا جهانی تشنه و غریب نماند.





اربعین سر دلبران

اربعین، نه همین ظاهراست و نه همین چند روز و همین چند جاده؛

اربعین را راهی است تا عمیق‌ترین حقایق عالم؛

امتداد بطن اربعین به بطن همه هستی است؛

چهل، عدد سزااست و عدد کمال، حسین سِرِّ عالم است و اربعین سِرِّ الأسرار؛

مراتب ابتدایی این راز زمانی فاش می‌شود که اربعین، همه محبان حسین علیه السلام را در بر بگیرد؛

و مراتب عالی آن زمانی تحقق می‌یابد که عدل و توحید در همه عالم فراگیر شود؛

و مراتب علیای آن هم باشد وعده من و شما در یوم تبلی السرائر؛

در جنة النعیم حسینی، ما باشیم و جمال یار؛

به‌رغم مدعیانی که منع عشق کنند جمال چهره تو حجت موجه ماست؛

هر سیری که هوای سِرِّ دارد در اربعین به دنبال جایی باشد و هر کس در پس ملک دنیا، ملکوتی می‌جوید،

به باطن اربعین پناه ببرد؛

اربعین را هزاران بطن است و فوق کل ذی علم علیم.

حسین علیه السلام، سرمایه دائمی مبارزه با ظلم

خون حسین علیه السلام، سرمایه تمام ناشدنی مبارزه با ظلم است؛
 قیام توابین، قیام مردم مدینه، قیام مختار، قیام زید، انبوه قیام‌های حسینی طول تاریخ؛
 تا قیام حسینی پیر خمین و قیام‌های مقاومت‌های حسینی منطقه در لبنان و شام و عراق و یمن؛
 همگی ریشه در عاشورا دارند و این خون خداست که خون همه احرار عالم را به جوش آورده است؛
 خون حسین علیه السلام، ظلم ستیز است و زندگی بخش؛
 فریاد بزرگ **اربعین** آن است که مظلوم نباش تا ظالمی نباشد؛
 بهای زندگی عزتمند، در برابر مستکبر را با خون باید پرداخت؛
 در دنیایی که بدن حسین علیه السلام، سلیب باشد و خدش تریب و سرش بر نیزه و اهل بیتش علیهم السلام در
 اسارت و دردانه‌اش در ویرانه، جایی برای درنگ نیست؛
 همه فدایی شوند و جان فشانی کنند؛
 ظلم، جایی برای ماندن نمی‌یابد و باطل مجالی برای جولان؛
 با خون حسین علیه السلام، جهانی **اربعینی** می‌شود و سپس او می‌آید؛
 او هم **اربعینی** می‌آید.



اربعین مردمی و خودجوش

در **اربعین** همه‌کاره مردمند، همه‌چیز خودجوش، کارها بسیجی و داوطلبانه؛ دولت‌ها و نهادها زمینه‌سازند، کمک کارند، هدایت‌کننده‌اند و ناظر؛

اربعین را که می‌بینیم، می‌فهمیم ليقوم الناس بالقسط به چه معناست؛ دقیقاً حالتی که عصر ظهور رقم خواهد خورد؛

در جامعه آرمانی، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، همه و همه باید مردم‌نهاد و مردم‌سالار و مردم‌گرا باشد؛ خودجوش و فعال و هم‌افزا؛

آن‌جا اقامه قسط با ملت‌هاست که افقی والاتر از اقامه قسط دولت‌هاست؛ هم ماندگارتر هم عمومی‌تر و هم قویتر؛

اربعین نمایش قدرت توده‌ها و ملت‌هاست که آرزوهای بلند و آرمان‌های بزرگ را عینی و نزدیک می‌کنند. در **اربعین**، این گروه‌ها و تشکل‌ها هستند که نقش می‌آفرینند؛

البته حکومت‌ها و دولت‌ها باید تعاون به خیر کنند و در خیرات و مبرات مسابقه و مسارعه داشته باشند و تمهید مقدمات کنند و امنیت را تأمین کنند؛

اربعین الگوی فاخر تعامل و تفاهم ملت‌ها و دولت‌هاست؛ و نمونه عملی بهره‌گیری از همه داشته‌ها و بایسته‌ها.

معجزه اربعین

اربعین، جمع آرمان و واقعیت است؛
 شاکله **اربعین** را با پیاده‌روی بسته‌اند و ذات پیاده‌روی، حرکت گام به گام است؛
اربعین است و حرکت تدریجی و مرحله به مرحله آن؛
 بام بلند **اربعین** را باید قدم به قدم پیمود؛
اربعین تجلی جمع آرزوها و عینیت هاست؛
اربعین، کارگاهی است تا بفهمیم کرامت، بدون صبر و استقامت به دست نمی‌آید؛
 معجزه **اربعین** در خرق عادت و در پیشرفت‌های غیرمعمولش نیست؛
 معجزه **اربعین** در بسیج توان هاست و قدرت‌ها؛
 در جمع اراده هاست و عزم‌ها؛
 در بهره‌گیری از داشته‌ها و هست‌ها؛
 در حرکت مستمر است و خستگی ناپذیر؛
 معجزه **اربعین** در یاعلی گفتن است و دست نهادن بر زانوان و بازوان؛
 در حرکت است و جنبش و جهاد و رفتن و پایداری؛
 هنر **اربعین**، آن است که کسی منتظر دنیای بیرون نباشد و همه در فکر دنیای درون باشند؛
 همه باور کنند که اراده و عزم، همت و تدبیر، تلاش و جهاد و عشق، غوغا می‌کند و جهانی دیگر می‌سازد.



اربعین منادی وحدت

برخی زیارت **اربعین** را نمایش قدرت شیعی و مذهبی دانسته‌اند و منافای با همبستگی اسلامی و انسجام دینی؛ و چه خطای فاحشی و جفای بزرگی است بر **اربعین**؛

نه حسین علیه السلام برای شیعه است و نه **اربعین**، آیینی شیعی؛

حسین علیه السلام، نماد جبهه حق است و **اربعین**، جلوه قدرت اصحاب حق؛

اربعین، اگر مقتدر هست، که هست، اقتدار جریان استکبارستیزان است و کفرگریزان؛

اربعین، یعنی یزیدیان هنوز هستند و احرار عالم باید حسینی بشوند و گردهم آیند؛

اربعین، یادآور این گفتمان عظیم است که دشمنان ما، مسلمانان و برادران ما نیستند و بالاترین دشمنی‌های ما را یهودیان متعصب رقم می‌زنند و مشرکان و غربیان و و در رأس آن‌ها آمریکا؛

اربعین، یادآور آن است که مظلومان عالم از شیعه و سنی گرفته تا آسیایی و آفریقایی و آمریکایی، قرن‌هاست از حقوق خود محروم مانده‌اند؛

سال‌هاست سهم تاریخی خود را نستانده‌اند؛

اربعین تجمع جهانی حق‌طلبان است علیه ظلم‌های سازمان یافته و تمدنی یزیدیان امروز.



اربعین، هجرت بزرگ

اربعین را از منظر هجرت هم می‌توان نگریست؛
هجرتی از برون حریم حسین علیه السلام به درون حائر حسینی؛
هجرت از خود به حسین علیه السلام و از حسین علیه السلام به خدا؛
هجرتی برای تغییر دنیای اطرافمان، برای ساخت جهانی جدید؛
هجرتی برای رسیدن به دنیایی که همه ارکان آن را حسین علیه السلام پر کرده باشد؛
هجرتی از زشتی‌ها به خوبی‌ها، از زدالت‌ها به فضیلت‌ها؛
دنیای بی حسین علیه السلام، ارزش ماندن ندارد و در دنیای حسینی جز استقرار و ثبات نتوان خواست؛
اربعین، عرصه سیمرغ است، باید پرکشید و بدان رسید؛
اربعین، تمرین هجرت الی الله است و قبل از آن هجرت الی الامام؛
و اما محضر امام، مقام امن است و امان و مقام عروج و صعود.



درجات اربعین

اربعین را مراتبی است و مقاماتی؛

مقام معرفت، مقام ایمان، مقام گفتمان، مقام جریان، مقام فرهنگ، مقام تمدن؛

مرحله به مرحله باید با اربعین پیش رفت و مستوایش را بالا برد؛

مدیریتی راهبردی لازم است و آینده بین و هوشمند؛

اربعین را می‌توان در افق تمدنی به نظاره نشست؛

و با اربعین تمدنی می‌توان به تمدنی اسلامی رسید؛

مجال آزمون و خطا و تک‌روی و خودسری نیست؛

نخبگان مسلمان و فرزندان عالم در انتظار گفتمان اربعین‌اند؛

گفتمان‌ها، چشم به راه توده‌ها و ملت‌ها و جریان‌های اربعینی‌اند؛

و جریان‌های اربعینی در تب و تاب ماندگاری و نهادینگی و فرهنگ‌های اربعین؛

و فرهنگ‌های اربعینی مقدمه تمدنی اربعینی؛

این مسیر جز با تدبیر و تنظیم و شور و مشورت، میسور نیست؛

همه باید دست به دست هم دهند؛

و هر که توانمندتر مسئول‌تر.

امان از آفت‌های اربعین

اربعین را امتیازاتی است و آفاتی؛

اربعین، دنیایی است پراز نور اما در کنار آن شیاطینی به کمین نشستہ؛

هر کجا اهل حق بیشتر و بهتر گردہم باشند، ساز و برگ شیاطین ہم قوی ترمی گردد؛

پس خود را برای حریفی قدرآمادہ کنیم، مصاف بسیار جدی است؛

ذره‌ای غفلت کنیم و هوایی شویم، خاک می شویم و سقوط می کنیم؛

مبادا کہ در اربعین سقوط کنیم کہ بسی خردکنندہ خواهد بود؛

دره‌های کنار قله‌ها عمیق ترند و خوف ناک تر؛

از هیچ چیز سادہ نگذریم، زشتی زشت است و در اربعین زشت تر؛

تحقیر، تمسخر، توهین، تشتت، تکبر، زبان بد، نگاه بد، حرکت بد، فکر بد، قضاوت بد، اسراف،

تبدیر، بی دردی، اندکش ہم فاجعه است؛

اربعین را باید زلال و شفاف نمایش داد، کہ تحمل هیچ ناپاکی و ناشایستی را ندارد؛

پای شیطان را بہ اربعین باز نکنیم کہ سخت حریفش خواهیم شد؛

فقط و فقط و فقط بہترین‌ها شایسته اربعین است .





درجات اربعین

اربعین نشان داد آیات قرآن همه حق‌اند؛ افت و خیز دارد، دیرو زود دارد اما سوخت و سوز ندارد؛
اربعین معرکه سنت‌ها و وعده‌های الهی است؛ همه آیات قرآن را می‌توان در چهره **اربعین** به نظاره نشست؛
إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛
و كان حقاً علينا نصر المؤمنين؛
و لن تجد لسنة الله تبديلاً، و لن تجد لسنة الله تحويلاً؛
إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا؛
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛
إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا؛
إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛
إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛
ما عندكم ينفد و ما عند الله باقٍ؛
الله لا إله إلا هو الحي القيوم .

اربعین فقط با رنگ حسین علیه السلام

اربعین است و یک رنگی ها و یک دستی هایش؛

صفا و صمیمیت و سادگی اش؛

بالا و پایین نداشتنش، شاه و گدا نداشتنش؛

پیر و جوان، سفید و سیاه، فقیر و غنی نداشتنش؛

اربعین است و مبارزه های بی امانش با تبعیض، با خودخواهی؛

اربعین است و عدالت خیره کننده اش؛

اربعین کثرت دارد و وحدت؛

همه هستند، بی هیچ منیت؛

از هر ملیت، از هر زبان، از هر نژاد، هر لباس و صفت؛

اما اربعین فقط یک صدا دارد و یک رنگ؛

کاش باقی می ماندیم با این رنگ، با این صدا؛

کاش در عرش می ماندیم؛

صدای حسین علیه السلام، رنگ حسین علیه السلام؛

اربعین یعنی حسین علیه السلام و دیگر هیچ.





مجاهدان اربعینی

شکوه اربعین امروز مرهون جان فشانی هاست، پیدا و پنهان فراوان دارد؛
خیل صابران، جانبازان و مجاهدان، پای در رکابند و دست بر شمشیر؛
و این خون شهیدان است که ضامن و حافظ راه شده است؛
خون دل‌ها خورده شده تا در امن و آرامش، اربعینی شویم؛
اگر نبود حشد شعبی‌ها، حزب‌الله و فاطمیون و زینبیون و سلیمانی‌ها و دیگران و دیگران، صدامیان و
دشمنان و تکفیریان هنوز هستند و بسیارند و پرتوان؛
همه‌ی عزت‌ها به عزت حسینی بر می‌گردد؛
و بی‌اقتدار، نتوان به انتظار نشست و بدون عزت، اربعین، جهانی نگردد؛
پای هر عمود اربعین خون شهیدی است که حیات می‌بخشد و حرمت هر موبکی را رزمندگانی پاسداری
می‌کنند؛
دروود خدا بر عزیزان مجاهدی که ما را اربعینی می‌کنند.

اسلام تمدنی حسرت تاریخی مصلحان

نعمت **اربعین** این سال ها را باید قدر دانست که جنة النعیم عرشیان و فرشیان است؛

اربعین، آرزوی دیرینه اولیای الهی بوده و حسرت تاریخی خاصان و مخلصان است؛

گر نیک بنگریم همه نیکان حاضرند و همراه و هم‌نوا؛

صدای تطورات اسلامی به گوش می‌رسد؛

دنایای اسلام پس از قرن‌ها غیبت تمدنی، راه خود را یافته و هویت و حیثیت خود را می‌جوید؛

کجایند احیاگران و مصلحان، سیدجمال‌ها، سیدقطب‌ها، شهید صدرها، امام موسی صدرها،

خمینی‌ها و مطهری‌ها تا ببینند **اربعین** چه عظمتی یافته است؛

اربعین، عهده‌دار نقشی فراتاریخی و حیثیتی راهبردی است که امواجی از بیداری اسلامی، آن را به

پیش آورده و آن به آن، بر جلوه‌اش می‌افزاید و به جنبشی عالم‌گستر می‌رساند؛

عالم در آستانه تمدن نوین اسلامی است؛

اربعین، دست تقدیر الهی است برای برآوردن آرزوی دیرینه پاکان و نیکان؛

اربعین آمده تا دیگر حسرت به دل نمانیم ان شاء الله.



سبک زندگی اربعینی

هنر اربعین در سبک زندگی خاص آن است.

اربعین، هم یک مکتب است و هم یک گفتمان، هم یک فرهنگ است و هم یک سبک زندگی؛

و چه بسیارند مکاتب و مرام‌هایی که خوب شعار می‌دهند و برنامه‌های زیبا به نمایش می‌گذارند؛

در دنیایی آکنده از حرص و آز و شهرت و شهوت، لذت و انانیت و فردیت و منیت، در گوشه‌ای نه چندان دور پیش چشم همگان، در مقیاسی وسیع، در مسافتی طولانی از همین انسان‌ها و در همین قید و بندها و با همین مقدرات، دنیایی دیگر ساخته می‌شود؛

گو این‌که جهانی دیگر است؛ ناگهان دنائت‌ها، حقارت‌ها، خبثات‌ها رخت برمی‌بندند و همه زندگی را به شکلی جدید سامان می‌دهد؛

همه انگشت بر دهان و متحیر از این زندگی حسینی؛

این‌جا فقط سخن از عقلانیت است و معنویت و عدالت؛

اربعین را فقط اربعینیان می‌فهمند، اگر حسین علیه السلام، اربعین می‌سازد و سبک زندگی اربعینی می‌آفریند؛

پس چرا فقط در اربعین؛

مگر نه این است که همه‌جا حسین علیه السلام هست، همه‌جا کربلا است و همیشه عاشورا؟

بیاییم سبک زندگی اربعینی را به هدیه دهیم، برای یکدیگر، سوغات اربعینی را به امغان ببریم؛

هیچ کس دست خالی برنگردد، شهرها و روستاها ما را اربعینی کنیم.

غریب در اربعین، حاشا

در اربعین کسی غریب نماند، اگر بازار اربعین گرم است به هوش باشیم همه را دلگرم کند؛
 آنان که در پی گوشه چشمی کیمیایی اند، به دنبال غریب‌ها و افتاده‌ها، خسته‌ها و درمانده‌ها باشند؛
 بدون شک همان جا حائر حسینی است؛
 در اربعین کسی مظلوم نماند که غیرت حسین ع به جوش می‌آید؛
 هر که توانمندتر و بهره‌مندتر، دست‌گیرتر؛
 هر که سیراب‌تر از جام بلا، مقرب‌تر؛
 این جا کسی به دنبال عافیت و شهرت نباشد؛
 اربعینیان سنی مذهب، چون جان و عزیزتر از جان‌اند؛
 مسیحیان و کلیمیان اربعینی، بر روی چشم جای دارند؛
 پیران مقدم‌ترند و کودکان گرمی‌تر؛
 معادلات اربعین را اربعینی رقم بزیم؛
 هیچ‌کس غریب و تنها نماند.



حق میزبانی با عراقی‌ها

حق میزبانی و صاحب منزلی **اربعین** از آن عراقی‌هاست و باید همین‌طور بماند؛ حقیقتاً سنگ تمام می‌گذارند، برایشان هم مایه توفیق است و هم مایه افتخار؛ دیگران هم تا آنجا که می‌توانند سهمیم شوند و کمک کنند؛

اما حرمت میزبان محفوظ بماند؛

همه **اربعین** را از خود بدانند و هیچ‌کس دست خالی نیاید؛

همه، هزینه کنند، در حد توان ببخشند همه کریم شوند، برای حسین علیه السلام، همه چون حسن علیه السلام کریم شوند؛

همه، یکدیگر را هدیه باران کنند، غرق احسان کنند، سلام، نقل رایج باشد؛

تبسم از لب‌ها فاصله نگیرد، در **اربعین** همه بجوشند، همه محبت کنند؛

اگر هم زبان نیستند، هم دل باشند، شماره بدهند، شماره بگیرند، به زبان بیاورند، ابراز کنند، برای هم خاطره

بسازند، باهم عکس بگیرند، خاطرات را همراه خود برای اهل و دیار خود بیاورند، در **اربعین**، **اربعین** را جای

نگذارند، هر کس هر قدر می‌تواند با خود **اربعین** بیاورد؛

اربعین را همه جای دنیا و برای همه سال منتشر کنیم؛

همت کنیم همه **اربعین** را بچشند.



نیاز به جهاد فرهنگی

مثل همیشه فرهنگ کمتر از حد انتظار و کم رونق است؛

شکر خدا **اربعین** همه چیزش پر رونق است غیر از ابعاد فرهنگی اش، تبلیغاتش، شعارهایش، نمادهایش، نشان‌هایش؛

با آن‌که ذات **اربعین**، فرهنگی است، معرفتی است، معنوی است؛

اما کم است خیلی کم است و بعضاً به چشم نمی‌آید؛

نهادهای فرهنگی کجایند، اصحاب فرهنگ و هنر و قلم کجایند؛

با نشاط **اربعین** سال‌های اخیر باید هزاران کتاب و مقاله، فیلم و نماد، طرح و تصویر، قصه و نقد می‌داشتیم؛

معلوم است که به راحتی علم کردن یک موکب نیست، اما نشدنی هم نیست؛

جایش خالی است. با انگیزه حسینی، با عشق حسینی باید بیداد می‌کردیم؛

قلم به دستان، مبلغان، هنرمندان، اصحاب رسانه، ارباب سخن، به میدان بیایند؛

حتی کسانی که **اربعین** نمی‌آیند در خانه‌هایشان در دیارشان **اربعینی** شوند، همه **اربعینی** شوند.



ایرانی و عراقی دو متحد

عجیب نیست که هر روز فتنه‌ای به پا شود تا میان ایرانی و عراقی جدایی بیندازد؛ حق دارند از اتحاد ما، از رفت و آمدهای ما، از زیارت‌های ما به دل هراس بکارند؛ یک روز تهمت به ایرانی، فردا به عراقی، یک روز به زیارت امام رضا علیه السلام، فردا به زیارت **اربعین**؛ نیک می‌دانند ایران و عراق، قم، نجف، خامنه‌ای، سیستانی؛ در عالم چه غوغایی به پا می‌کنند؛ به کوری چشم دشمنان و به برکت امام حسین علیه السلام با هم متحد می‌مانیم؛ گواه صدق دعوا و همت والای ما **اربعین** ماست؛ با **اربعین** فراتر از مرزها و ملیت‌ها می‌اندیشیم و به دنیا ثابت می‌کنیم با هم برادریم؛ به زودی دنیای جدیدی خواهیم ساخت؛ وعده ما **اربعین**، تجدید عهد و میثاق با آرمان امت واحده اسلامی.



السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى

سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، سلام بر

الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ

حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاری‌ها و کشته اشک‌ها، خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو،

وَ صَفِيِّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوَلَادَةِ وَ

و فرزند برگزیده توست که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی، و به خوشبختی اختصاص دادی، و به پاکي ولادت برگزیدی،

جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ

و او را آقای از آقایان، و پیشروی از پیشرویان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی، و میراث‌های پیامبران را به او عطا فرمودی، و او را از میان جانسپندان حجت بر بندگانت قرار دادی،

مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ التُّصْحَ وَ بَدَلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَفِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ

و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نوزید، و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که بر علیه او به کمک هم

تَوَارَرَ عَلَيْهِ مِنْ عَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأُرْذَلِ الْأَذْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ

برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به فرمایم‌تر و بیست‌تر چیز فروختند، و آخرت‌شان را به کمترین بها به فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای

وَ اسْحَظَكَ وَ اسْحَظْتَ نَبِيَّكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشِّفَاقِ وَ التِّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ فَجَاهَدَهُمْ

نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، اطاعت کردند از میان بندگانت، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را، پس با آنان

فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُّهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذَّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

درباره تو صابرانه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونش ریخته شد و حریمش مباح گشت، خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عَشْتُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانسپندان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اوستی، خوشبخت زیستی،

سَعِيداً وَ مَضِيَّتْ حَمِيداً وَ مَتَّ فَقِيداً مَظْلوماً شَهِيداً وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مَهْلِكٌ مَنْ حَدَلَكَ

و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی گم گشته، و مظلوم و شهید، گواهی می‌دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و نابودکننده کسانی را که از یاری ات دریغ ورزیدند،

وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند، و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردید و در راهش به به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی

قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ

را که تو را کشتند، و به تو ستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند، خدای من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را

وَ الْوَالِدَ وَ عَدُوَّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ

دوست دارند، و دشمن با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُذْلَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ

و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نکرد، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند، و گواهی می‌دهم که تو

دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبِرُّ النَّبِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي

از ستون‌های دین، و پایه‌های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده،

الْمُهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

و هدایت شده‌ای، و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندانت، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل

الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ

دنیا هستند و گواهی می‌دهم که من به یقین مؤمن به شمایم، و به بازگشتن یقین دارم، بر اساس قوانین دینم، و عواقب علمم، و قلبم با قلبتان در صلح، و

أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ

کارم پیرو کارتان، و یاری‌ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان، درودهای خدا بر شما،

عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و بر ارواح و پیکرهایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

